،دکتر گری یتس، ارمیا، سخنرانی ۲۲، ارمیا ۲۷-۲۹
نزاع نبوی

گری یتس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

.این دکتر گری یتس در حال تدریس در مورد کتاب ارمیا است .این جلسه ۲۲، ارمیا ۲۷-۲۹، نزاع نبوی است

.تمرکز ما در این جلسه بر ارمیا ۲۷ تا ۲۹ خواهد بود

ما به طور خاص با موضوع اختلاف نبوت‌ها سروکار داریم .ما این موضوع را در مطالعه خود در مورد ارمیا ویژگی‌ها و خصوصیات یک پیامبر واقعی که در تثنیه ۱۸ آمده است، مطرح کردیم .مبارزه‌ای که ارمیا و ،۲۳ خدمت او با پیامبران دروغین داشتند که به مردم وعده صلح می‌دادند و به مردم دلیل و توجیهی می‌دادند تا .پیام و هشدارهای او در مورد داوری را نادیده بگیرند

موضوع اختلاف نبوی نیز در فصل‌های ۲۷ تا ۲۹ مطرح خواهد شد .اجازه دهید این متون را به ساختاری که روی آن کار کرده‌ایم نیز مرتبط کنم .ما در مورد چگونگی روایت داستان رد کلام خداوند توسط فصل‌های تا ۴۵ و هدف الهیاتی پشت این موضوع صحبت کرده‌ایم :نشان دادن اینکه رد کلام خدا بود که در ۲۶ .نهایت منجر به داوری تبعید شد

این خدا نبود که در انجام تعهدات عهد خود کوتاهی کرد؛ این اسرائیل بود که در انجام تعهدات خود در قبال خداوند کوتاهی کرد .ما همچنین چارچوب یهویاقیم را در مورد این متن دیده‌ایم یا سعی کرده‌ایم به آن .نگاه کنیم

فصل‌های ۲۶ تا ۳۵، فصل‌های ۳۶ تا ۴۵ .ما این چهار رویداد و اپیزود از زمان خدمت یهویاقیم را داریم که چارچوبی را برای خواندن این داستان فراهم می‌کنند .زمان یهویاقیم لحظه‌ای تعیین‌کننده بود، زمانی که یهودا از خداوند روی گرداند و زمانی که شورش و رد کلام خدا توسط پادشاه در نهایت داوری یهودا را به همراه .داشت و سرنوشت آنها را رقم زد

در جلسه قبل، در مورد این واقعیت صحبت کردیم که به مردم وعده زندگی داده شده بود، اما وعده زندگی در پایان هر پنل فقط به تعداد بسیار کمی از بازماندگان داده می‌شود .در پنل اول، در فصل ۳۵، وعده‌ای به رکابیان، این قبیله گمنام که به سنت‌های خانوادگی خود وفادار مانده‌اند، داده شده است .در نتیجه، خداوند .می‌گوید، رکابیان هرگز از داشتن مردی که در مقابل من بایستد، باز نخواهند ماند

در پنل دوم، باروک را داریم که کاتب وفادار ارمیا بوده است .ارمیا یک پیامبر گریان بود .باروک یک کاتب .گریان بود زیرا او همان تجربیاتی را که ارمیا داشت، از سر گذراند

به دلیل وفاداری او، در چارچوب داوری ملی به او وعده حیات داده می‌شود .اما در پایان هر دو بخش، جایی که رهایی رخابیت‌ها و حیات باروک را می‌بینید ، داوری بر کل ملت نیز خواهید داشت .در فصل ۳۴، داوری بر مردم یهودا و بر پادشاه خواهد بود زیرا آنها از پیمان خود برای آزاد کردن بردگان خود به روشی که .شریعت موسی مقرر کرده بود، روی گردانده‌اند

در فصل ۴۴، قرار است در مورد بازماندگان در مصر داوری شود، زیرا آنها به راه‌های بت‌پرستانه خود ادامه داده‌اند .بنابراین، ما به قسمت بیرونی سازه و خود قاب نگاه کردیم .اکنون، می‌خواهیم به داخل سازه نگاه .کنیم و کمی بیشتر از آنچه در آنجاست را ببینیم

می‌خواهم یک کلمه یا یک نظر در مورد ساختار بدهم .می‌دانم که دارم ساختار خاصی از کتاب ارمیا را ارائه می‌دهم .محققان دیگری هم هستند که ساختارهایی را ارائه می‌دهند که ممکن است به همان اندازه معتبر باشند اما از جهاتی متفاوتند.

برای مثال، من تعدادی مطالعه دیده‌ام که به این بخش می‌پردازند و ساختار را به این شکل تقسیم‌بندی می‌کنند .فصل‌های ۲۶ تا ۳۶، این داستان‌های رد کلام خداوند توسط یهویاقیم، یک بخش جامع را ارائه می‌دهند .آنها بخش دوم را احتمالاً از فصل‌های ۲۶ تا ۳۶ خواهند دید.

سپس در فصل ۳۷ و پس از آن، داستان تقریباً به ترتیب زمانی وقایع روزهای پایانی یهودا به عنوان یک ملت را داریم .بنابراین، گاهی اوقات بیش از یک راه برای توضیح یک ساختار وجود دارد .من نمی‌خواهم در مورد ساختاری که اینجا ارائه می‌دهم چیزی بگویم.

این روش قطعی برای خواندن کتاب است .به نظر من این یکی از راه‌های خواندن کتاب است که به ما کمک می‌کند تا برخی از چیزهای مهم را درک کنیم و بخشی از معماری و طراحی کتاب را منعکس می‌کند .اما اغلب دشوار است که به وضوح بگوییم این همان چیزی است که در ذهن نویسنده بوده است.

ما صرفاً سعی داریم ساختاری ارائه دهیم که به نظر من برای همه اینها انسجام ایجاد کند .به نظر من، گاهی اوقات، این ساختارها وقتی در سطح کلی نگه داشته می‌شوند، مؤثرتر عمل می‌کنند .وقتی به شباهت‌های کلی توجه می‌کنیم، مواقعی وجود دارد که می‌توانیم ساختارها را توسعه دهیم یا محققان ساختارهایی را توسعه داده‌اند که آنقدر پیچیده هستند که تقریباً فکر می‌کنید ارمیا و باروک برای انجام این نوع کار باید کامپیوتر می‌داشتند.

یا کتاب اشعیا در چنان ساختارهای کیاستیکی قرار گرفته است که انجام این کار برای پیامبر بسیار دشوار بوده است .بنابراین، من در اینجا ساختاری می‌بینم که فکر می‌کنم الگوی کلی و طرح کلی را نشان می‌دهد و به ،ما کمک می‌کند تا پیام را در جایی که بخش‌ها را به ۲۶ تا ۳۵ و ۳۶ تا ۴۵ تقسیم می‌کنیم، درک کنیم .حال در درون این پنل، در درون ساختار، در میانه این، انتخابی وجود دارد که یهودا به عنوان یک قوم و یک ملت با آن روبرو است که بسیار متفاوت از چیزی است که در زمان یهویاقیم در فصل‌های ۲۶ تا ۳۵ به آنها ارائه می‌شود.

،درون این ساختار، ما بیشتر با زمان صدقیا سروکار داریم .چارچوب پیرامون این موضوع به زمان یهویاقیم تا ۵۹۷، می‌پردازد .درون این ساختار، ما عمدتاً با زمان صدقیا سروکار داریم که از ۵۹۷ تا ۵۸۶ پیش از ۶۰۹ میلاد سلطنت کرد.

ما به روزهای پایانی یهودا به عنوان یک ملت نگاه می‌کنیم .و بنابراین، امید و احتمالی که در فصل‌های آغازین به یهویاقیم داده شده است، این است که شاید شما و مردم واکنش نشان دهید و از داوری در امان باشید .و این فرصت واقعی است که بین گوش دادن به خدا و اجتناب از داوری یا گوش ندادن به خدا و تجربه نابودی و ویرانی که خدا بر آنها نازل خواهد کرد، یکی را انتخاب کنید.

با این حال، آنچه در درون ساختار و در چارچوب آن در حال رخ دادن است، این است که انتخابی که اکنون ،پیش روی یهودا قرار دارد، به طرز قابل توجهی تغییر کرده است .اکنون دو گزینه پیش روی صدقیا و مردم تسلیم شدن در برابر بابل، و رهایی از داوری است .ببینید، خدا بابلی‌ها را به عنوان ابزار داوری خود می‌فرستد.

اگر تسلیم آنها شوید و این را بپذیرید و تسلیم آنها شوید و به سوی خدا بازگردید، آنگاه خدا شما را نجات خواهد داد .اگر به مقاومت خود ادامه دهید، اگر در گناه خود پافشاری کنید، اگر باور داشته باشید که می‌توانید از طریق نظامی راهی برای جلوگیری از داوری خدا پیدا کنید، در نهایت به نابودی کامل منجر .خواهد شد .بنابراین، انتخاب یهویاقیم انتخاب راه خدا و رهایی از داوری است

انتخابی که صدقیا و مردم با آن روبرو هستند این است که راه خدا را انتخاب کنند یا کاملاً نابود شوند .در فصل‌های ۲۷ تا ۲۹، بازتابی از نزاع نبوی که در دوران سلطنت صدقیا در جریان بود، در مورد این موضوع می‌بینیم :با بابلی‌ها چه کنیم؟ یا خدا از ما می‌خواهد چه فکری کنیم یا چه دیدگاهی باید در مورد بحران بابل داشته باشیم؟ به یاد داشته باشید، دیدگاه ارمیا این است که یهودا عهد را نقض کرده است؛ آنها به خداوند وفادار نبوده‌اند؛ یکی از لعنت‌های عهد که خدا هشدار داده بود که علیه قوم خود خواهد آورد، لعنت عهد حمله نظامی و تبعید بود .ارمیا به مردم هشدار می‌دهد که خدا از بابلی‌ها به عنوان ابزار قضاوت خود .استفاده می‌کند

همه اینها مطابق با عهدی است که خدا در روزگار موسی برقرار کرد .اگر آنها توبه نکنند و از راه‌های گناه‌آلود خود باز نگردند، خدا از بابلی‌ها برای نابودی آنها استفاده خواهد کرد .با این حال، آنها این را می‌بینند، یا به هر نحوی که به این موضوع واکنش نشان دهند؛ اگر تسلیم بابل نشوند، کاملاً نابود خواهند .شد

در حال حاضر هیچ راهی برای آنها وجود ندارد که بخواهند بابل را تحت سلطه خود درآورند .خداوند به بابلی‌ها بر ملت‌ها تسلط داده است و این تسلط شامل ملت یهودا نیز می‌شود .پیامبرانی که با ارمیا مخالفت .کردند، درک اساساً متفاوتی از عهد و پیمان دارند

آنها معتقدند که خداوند اسرائیل را به عنوان قوم خاص خود برگزیده است، و به همین دلیل خداوند موظف است آنها را برکت دهد و خداوند در هر شرایطی از آنها محافظت خواهد کرد .ارمیا هشدار می‌دهد که ارتش بابل در راه است و این موج‌های تبعیدی که شما تجربه می‌کنید، به طور فزاینده‌ای بدتر و بدتر .خواهد شد .ارمیا به آنها خواهد گفت که این تبعید ۷۰ سال طول خواهد کشید

مردمی که به تبعید برده می‌شوند باید در آنجا ساکن شوند و خانه بسازند، ازدواج کنند و تشکیل خانواده دهند، تسلیم پادشاه بابل شوند و برای صلح بابل دعا کنند زیرا قرار است مدتی آنجا باشند .پیامبران دروغین، بر اساس دیدگاه ناقص خود از عهد و پیمان، معتقدند که خدا قرار است ظرف چند سال آنها را .نجات دهد .این بحران به زودی پایان خواهد یافت

و بنابراین، ما در آیات ۲۷ تا ۲۹ بحث و گفتگو داریم، در مورد بحران بابل چه باید کرد؟ ارمیا می‌گوید تسلیم بابل شوید، و انبیا چیز دیگری می‌گویند .حال، این موضوع در پنل دوم در فصل‌های ۳۷ تا ۳۹ نیز به ،همین شکل است، زیرا، باز هم، ما در روزگار صدقیا هستیم، آخرین روزهای قبل از سقوط اورشلیم است اما اکنون بیشتر مقامات سیاسی و نظامی در مورد اینکه در مورد بابل چه باید کرد، بحث می‌کنند .در پنل دوم، ارمیا قرار است همین را بگوید :تسلیم بابل شوید و نجات یابید .ما مقامات و رهبران نظامی را داریم که .به وعده‌های ناقص انبیا گوش داده‌اند و به مقاومت ادامه می‌دهند

،بنابراین، وجه تشابه در دو صفحه این است که چه باید بکنیم؟ در مورد مسئله تسلیم شدن در برابر بابل که قرار است تمرکز اصلی در آیات ۲۷-۲۹ و ۳۷-۳۹ باشد، چه باید کرد؟ ما همچنین در اینجا یک رابطه علت و معلولی داریم زیرا در آیات ۲۷-۲۹، دو پیام نبوی داریم .آیا به ارمیا ایمان داریم؟ آیا به بابل تسلیم می‌شویم و آیا راه خود را تغییر می‌دهیم، یا به وعده‌های دروغین پیامبران صلح ایمان می‌آوریم و آیا به مقاومت

ادامه می‌دهیم؟ نتیجه این امر این است که اورشلیم نابود خواهد شد و ما در فصل‌های ۳۷-۳۹ به این موضوع اشاره می‌کنیم.

بنابراین، به یک معنا، بین آیات ۲۷-۲۹ و ۳۷-۳۹ نیز نوعی توازی هشدار و تحقق وجود دارد. بسیار خوب، اما همانطور که اکنون به عقب برمی‌گردیم و به طور خاص به فصل‌های ۲۷-۲۹ نگاه می‌کنیم، می‌خواهم به سه نمونه خاص از کشمکش نبوی که ارمیا به دلیل این پیام تسلیم شدن در برابر بابل متحمل خواهد شد و از آنها عبور خواهد کرد، توجه کنیم. و به یاد داشته باشید، مردم کسانی هستند که در اینجا در میانه قرار دارند؛ مقامات و پادشاهان نیز همینطور.

چگونه پاسخ دهیم؟ به چه کسی ایمان بیاوریم؟ این یک مسئله جدی است. واقعاً زندگی و ملت یهودا، سرنوشت آنها در نهایت با نحوه واکنش آنها به این پیام تعیین می‌شود. ما فقط در سطح عملی اهمیت الهیات را به یاد می‌آوریم.

آنچه ما در مورد خدا باور داریم و ایده‌هایی که در مورد خدا داریم، در نهایت مهم‌ترین تصمیمات و اعمالی را که در زندگی می‌گیریم، تعیین می‌کند. الهیات پیامبران صلح و الهیات ارمیا نبی، دو درک بسیار متفاوت از واقعیت را به ما می‌دهند و اینکه مردم چگونه بر اساس این الهیات عمل می‌کنند، در نهایت سرنوشت یهودا را تعیین خواهد کرد. بنابراین، امروز، وقتی مردم می‌گویند، می‌دانید، ما باید بحث‌های خود در مورد الهیات را کنار بگذاریم، به هر حال مهم نیست، بیایید فقط روی زندگی کردن به معنای مسیحی بودن تمرکز کنیم.

من فکر می‌کنم آنها اهمیت چیزی که بسیار واقعی است را تضعیف می‌کنند، روشی که الهیات ما در نهایت رفتار ما را تعیین می‌کند. بنابراین بحثی که در مورد آن الهیات در فصل‌های ۲۷ تا ۲۹ در جریان است، در اینجا آمده است. در فصل ۲۷، آیه ۱، به ما می‌گوید ...» :در آغاز سلطنت صدقیا «.خب، به یاد داشته باشید که صدقیا در سال ۶۰۹ قبل از میلاد به سلطنت می‌رسد، اما در فصل ۲۸ نیز به ما می‌گوید که داستانی که در آنجا اتفاق می‌افتد، در همان سالی اتفاق می‌افتد که وقایع ۲۷ رخ می‌دهد.

و در آنجا آمده است ...» :در همان سال، در آغاز سلطنت صدقیا، پادشاه یهودا، در ماه پنجم از سال چهارم «.و بنابراین، سال چهارم سلطنت صدقیا ۵۹۳ قبل از میلاد است. بنابراین، این زمان است. این زمینه زمانی برای آنچه که قرار است در فصل‌های ۲۷ و ۲۸ ببینیم، است. حال نکته دیگری در مورد آیه آغازین فصل ۲۷، آیه ۱، وجود دارد که می‌خواستم توجه شما را به آن جلب کنم.

و در بیشتر کتاب مقدس‌های انگلیسی، آمده است ...» :در آغاز (ESV) در نسخه الکترونیکی انجیل ...» :سلطنت صدقیا. «این عنوانی است که برای این بخش در نظر گرفته شده است. نسخه عبری می‌گوید، در آغاز سلطنت یهویاقیم. «بنابراین، ما در مورد چارچوب یهویاقیم و این واقعیت که فقط در آیات ۲۶ و ۴۵ در مورد یهویاقیم مطالبی وجود دارد، صحبت کرده‌ایم. در واقع، در متن عبری، در آیه ۲۷.۱ به ۳۶ یهویاقیم اشاره شده است. در متن یونانی اصلاً عنوانی وجود ندارد.

اما وقتی به وقایعی که در این داستان رخ می‌دهد نگاه می‌کنیم، مشخصاً چیزی است که به دوران سلطنت صدقیا برمی‌گردد. و بنابراین، اشاره‌ای که در نسخه اصلی آمده است، عنوانی که می‌گوید ...» :در دوران سلطنت یهویاقیم»، عنوانی است که بعداً اضافه شده است. و من فکر می‌کنم نسخه‌های انگلیسی در اصلاح یهویاقیم برای خواندن صدقیا درست می‌گویند.

این چارچوب ما را دست نخورده نگه می‌دارد. اما زمان این ماجرا سال ۵۹۳ است. اتفاقی که اینجا می‌افتد این است که هیئتی از سفیران از کشورهای مختلف، دولت-ملت‌هایی که یهودا را احاطه کرده‌اند، برای کنفرانسی با صدقیا به اورشلیم آمده‌اند.

،هدف این کنفرانس این است که این ملت‌های کوچک‌تر متوجه شوند که به تنهایی و با اتکا به خودشان هیچ راهی وجود ندارد که بتوانند در برابر قدرت ارتش بابل مقاومت کنند .هیچ راهی وجود ندارد که آنها بتوانند در برابر تهاجم بابل مقاومت کنند .و بنابراین، کاری که آنها تصمیم گرفته‌اند انجام دهند این است .که در یک اتحاد به هم بپیوندند

و اگر نیروهایمان را متحد کنیم، شاهد همین اتفاق برای یهودا و دولت-ملت‌ها در طول بحران آشور در قرن گذشته بودیم .اگر بتوانیم اتحادی تشکیل دهیم، شاید بتوانیم در مقابل قلدر بزرگ منطقه بایستیم .و .بنابراین آنها احتمال شورش علیه بابلی‌ها را در نظر دارند

ارمیا در این مورد چه فکر می‌کند؟ خب، پیام ارمیا این است که خداوند مقدر کرده است که بابلی‌ها بر .ملت‌ها مسلط شوند .هرگونه مقاومتی در برابر آنها بیهوده است .این فقط یک ارزیابی سیاسی نیست

خب، این فقط به اندازه ارتش‌های ما در مقابل اندازه ارتش‌های آنها نگاه نمی‌کند .این یک ارزیابی الهیاتی است که بر اساس درک ارمیا از آنچه خدا به او وحی کرده است، بنا شده است که بابلی‌ها ابزار داوری خدا .هستند .در طول بحران آشور، اشعیا گفت که آشوری‌ها عصای خشم خدا هستند

ارمیا خواهد گفت که نبوکدنصر بنده خداست .و بنابراین، مقاومت در برابر او، ایستادگی در برابر او نتیجه‌ای نخواهد داشت .این کنفرانسی که شما دارید، جایی که در حال نقشه کشیدن و کنار هم گذاشتن .این وضعیت سیاسی یا این راه حل سیاسی هستید، نتیجه‌ای نخواهد داشت

.همچنین در ارمیا فصل ۵۱، آیه ۵۹ می‌خوانیم که صدقیا در واقع در سال ۵۹۳ مجبور به رفتن به بابل شد .او بازگردانده شد، اما به او اجازه داده شد که بر تخت سلطنت باقی بماند

اما باید پرسید که آیا نبوکدنصر و بابلی‌ها از این کنفرانس بی‌خبر بوده‌اند و می‌خواهند از صدقیا گزارش بگیرند، جایی که صدقیا وفاداری مداوم خود و این واقعیت را که قرار است به آنها خراج بپردازد، به آنها تأیید می‌کند .بابلی‌ها همان کسانی بودند که در سال ۵۹۷، زمانی که شهر اورشلیم را تصرف کردند و یهویاکین را بردند، صدقیا را به عنوان پادشاه یهودا منصوب کردند .و صدقیا را به عنوان عروسک خیمه‌شب‌بازی خود .منصوب کردند

.صدقیا تا زمانی که به بابلی‌ها وفادار باشد و خراج بپردازد، اجازه خواهد داشت بر تخت سلطنت بماند اتفاق که برای صدقیا به دلیل ضعف خودش به عنوان یک رهبر می‌افتد این است که صدقیا بین این دو گزینه گیر می‌کند .آیا به مقاومت در برابر بابلی‌ها ادامه دهیم یا تسلیم آنها شویم؟ صدقیا به مقامات نظامی خود گوش می‌دهد که می‌گویند، می‌دانید چیست؟ ما شانسی داریم .اگر نیروهای خود را جمع کنیم، اگر .استراتژی درستی داشته باشیم، اگر ائتلاف درستی ایجاد کنیم، می‌توانیم در برابر بابلی‌ها مقاومت کنیم

ارمیا می‌گوید، شما شانسی ندارید .خدا فرمان داده است که ملت‌ها به نبوکدنصر تسلیم شوند، و هرگونه مقاومتی در برابر او بیهوده است .و ارمیا قرار است این پیام را هم به صدقیا و هم به دیگر نمایندگان در .فصل ۲۷ بدهد

قوم اول، و او این پیام را سه بار تکرار خواهد کرد، مقاومت در برابر بابل بیهوده است .بیایید به آیه ۳ نگاه کنیم .به دست فرستادگانی که به اورشلیم آمده‌اند، به پادشاه ادوم، پادشاه موآب، پادشاه بنی عمون، پادشاه .صور و پادشاه صیدون پیام بفرست .بسیار خوب، من پیامی برای همه ملت‌ها دارم

،و این چیزی است که او در آیه ۵ می‌گوید .خداوند می‌گوید، من هستم که با قدرت عظیم و بازوی توانمندم ،زمین را با انسان‌ها و حیواناتی که روی زمین هستند، ساخته‌ام .و آن را به هر کسی که در نظرم درست باشد می‌دهم .اکنون همه اینها را به دست نبوکدنصر، پادشاه بابل، بنده خود، سپرده‌ام، و حیوانات صحرا را نیز به .او داده‌ام تا به او خدمت کنند

ببینید، خداوند می‌گوید، من خالق جهان هستم .من مالک زمین هستم .من فقط خدای اسرائیل نیستم؛ من .خدای همه ملت‌ها هستم

من به عنوان خداوند متعال و خالقی که این امور را تعیین می‌کند، فرمان داده‌ام که نبوکدنصر بر ملت‌ها حکومت کند .ما قبلاً در این دوره به این موضوع اشاره کردیم، اما با دادن کنترل نه تنها ملت‌ها، بلکه حتی حیوانات به نبوکدنصر، نبوکدنصر به نوعی به عنوان آدم دوم به تصویر کشیده می‌شود که نایب خدا و .تصویر خداست .نبوکدنصر تصویر خداست

مقاومت در برابر نبوکدنصر، مقاومت در برابر خداست .بسیار خوب، پس این ائتلاف سیاسی کارساز .نخواهد بود .بنابراین، در اینجا هشداری به ملت‌ها داده می‌شود

آیه ۸ .اگر هر ملتی یا هر پادشاهی به این نبوکدنصر، پادشاه بابل، خدمت نکند و گردن خود را زیر یوغ پادشاه بابل نگذارد، خداوند می‌گوید :آن ملت را با شمشیر، قحطی و طاعون مجازات خواهم کرد تا آنها را نابود کنم .و به یاد داشته باشید، این زمانی است که ارمیا یوغ را بر گردن خود دارد، این یوغ چوبی که .نمایانگر پیام تسلیم است .او فقط این را موعظه نمی‌کند، و آن را به صورت بصری نشان می‌دهد

بسیار خوب، حالا او می‌خواهد هشدار خاصی به ملت‌ها و این فرستادگان بدهد .او می‌گوید، به سخنان پیامبرانتان که به نوعی به شما می‌گویند می‌توانید در برابر سلطه بابل مقاومت کنید، گوش ندهید .این اتفاق .نخواهد افتاد

و به این پیامبران دروغین گوش ندهید .نکته جالب این است که وقتی ارمیا این پیام را به مخاطب دوم می‌دهد، در آیه ۱۰، به مردمی که در آنجا خطاب قرار می‌دهد گوش می‌دهد .به صدقیا، پادشاه یهودا، من نیز .به همین شیوه سخن گفتم

و این فصل قرار است یهودا را با تمام ملت‌های دیگر هم‌تراز کند .آنها هم فرق ندارند .آنها ممکن است باور .کرده باشند که خب، شرایط خاصی وجود دارد چون ما قوم خدا هستیم و در این ماجرا دخیل هستیم

همان پیامی که خداوند به ادومی‌ها، موآبی‌ها، عمونی‌ها، مردم صور و صیدون می‌دهد، همان پیامی که خداوند به صدقیا خواهد داد .جایگاه او به عنوان پادشاه داوود، او را خارج از سلطه بابلی‌ها قرار نمی‌دهد .و او به صدقیا خواهد گفت، به سخنان پیامبران خود گوش نده، تسلیم بابل شو، این تنها امیدی است که برای بقا .داری

در گذشته، خداوند از داوود به عنوان بنده خود یاد کرده است .آنچه در این متن در فصل ۲۷، آیه ۶ اتفاق .می‌افتد این است که نبوکدنصر بنده خداست .همین موضوع در فصل ۲۵ نیز گفته شده است

.خداوند، در تاریخ گذشته یهودا و در تاریخ گذشته اسرائیل، خود را به خاندان داوود متعهد کرده است .خداوند رابطه ویژه‌ای با پادشاه داوود داشت .او پادشاه داوود را به عنوان پسر خود پذیرفت

و او را بر تخت نشاند، و آنچه خداوند درباره این پادشاه خواهد گفت این است :این مسیح من است، من او را برگزیده‌ام، من پادشاه خود را بر صهیون، کوه مقدس خود، نصب کرده‌ام، و همه ملت‌ها باید تسلیم او .شوند .اگر چنین نکنند، به من پاسخ خواهند داد .بنابراین داوود و پسران داوود، جانشینان خدا بودند

به عنوان پسران خدا، آنها به عنوان نمادهای زمینی سلطه و حاکمیت آسمانی خدا بر روی زمین حکومت می‌کردند .و خداوند می‌گوید که در نهایت، من به همه ملت‌های زمین فرمان خواهم داد و آنها را تحت اقتدار ،داوود قرار خواهم داد .این گفته با توجه به این واقعیت که سرزمین اسرائیل تقریباً به اندازه نیوجرسی بود .بسیار شگفت‌انگیز است

اما در نهایت، این پادشاهان بر ملت‌ها حکومت خواهند کرد .این ترتیب در دوران ارمیا تغییر کرد، زیرا اکنون بنده خدا، اکنون نایب‌السلطنه خدا، نبوکدنصر است .و بنابراین، صدقیا، فکر نکن که پادشاه داوود بودن و .داشتن این رابطه ویژه با خدا، تو را از این امر معاف می‌کند

شما باید مانند همه این ملت‌های دیگر تسلیم بابل شوید .و این هشدار، آیه ۱۴ است :به سخنان پیامبرانی که به شما می‌گویند، پادشاه بابل را خدمت نکنید، گوش ندهید، زیرا این دروغ است .این شِکِر است که آنها .برای شما نبوت می‌کنند

خداوند می‌گوید :من آنها را نفرستاده‌ام، اما آنها به دروغ به نام من نبوت می‌کنند تا شما را از این سرزمین بیرون برانند .اگر به این پیام دروغین گوش دهید، اگر این الهیات دروغین را بپذیرید، عواقب ویرانگری برای شما خواهد داشت زیرا تنها راه زنده ماندن، تسلیم شدن در برابر بابل است .بنابراین، فکر می‌کنم روشی که .پیامبر یهودا را با سایر ملت‌ها هم‌سطح می‌کند، بسیار جالب است

پیامبران دیگری نیز خواهند آمد که دقیقاً همین کار را انجام خواهند داد .آنها همانطور که داوری بر قوم ،اسرائیل و یهودا را موعظه می‌کنند، ملت اسرائیل و یهودا را با خاک یکسان خواهند کرد و خواهند گفت ،هی، شما از خود ملت‌ها بهتر نیستید .یکی از پیامبرانی که این کار را به طور خاص و مؤثر انجام می‌دهد .عاموس نبی است

و او این کار را به چندین روش انجام می‌دهد .من فقط می‌خواهم خیلی سریع به این موضوع اشاره کنم و سپس به ارمیا ۲۷ برگردم .اما عاموس پیشگویی‌های خود را با مجموعه‌ای از سخنرانی‌های داوری علیه ملت‌ها .آغاز می‌کند

و به یاد داشته باشید، او پیامبری برای اسرائیل است .و در هفتمین و آخرین سخنرانی او، یا آنچه که به نظر می‌رسد سخنرانی داوری نهایی باشد، پیامی علیه یهودا، دشمن اسرائیل در جنوب، وجود دارد .و می‌توانم تصور .کنم که قوم اسرائیل این را جشن می‌گیرند

انگار آره، خدا، برو و اونا رو نابود کن .همه بت پرستان اطرافمون رو نابود کن .اما هشتمین وحی که عاموس .میده، پیامی علیه خود اسرائیله

و مثل این است که، وای، چکش فرود می‌آید .این واقعیت که آنها قوم برگزیده خدا هستند به این معنی نیست که از داوری معاف هستند .در عاموس ۳، آیات ۱ و ۲، عاموس می‌گوید، ای کلام، این را بشنوید که خداوند علیه شما، ای قوم اسرائیل، علیه تمام خانواده‌ای که من از سرزمین مصر بیرون آوردم، سخن گفته .است

.تو فقط من از بین تمام خانواده‌های زمین می‌شناسی .و بنابراین، این را می‌شنوی .بله، این هم از این

آنها خاص هستند .خدا آنها را از سرزمین مصر بیرون آورد .خدا قوم اسرائیل را به گونه‌ای می‌شناسد که هیچ خانواده دیگری روی زمین نمی‌شناسد.

اما به آنچه عاموس می‌گوید گوش دهید .بنابراین، من تو را به خاطر تمام گناهانت مجازات خواهم کرد .او نمی‌گوید، بنابراین، تو برگزیده‌ی تمام زمین هستی .بنابراین، من تو را برکت خواهم داد، از تو محافظت خواهم کرد و مراقب تو خواهم بود.

.نه، به دلیل آن رابطه ویژه، شما مسئولیت بیشتری دارید .و من به همین دلیل شما را مجازات خواهم کرد در فصل ۳ کتاب عاموس، و بعداً در آیه ۹، به دژهای اشدود و دژهای سرزمین مصر، به همه این مکان‌های بیگانه اعلام کنید و بگویید، بر کوه‌های سامره جمع شوید و غوغای بزرگی را که در درون آن و همه ستمدیدگان در میان آن است، ببینید.

.خداوند می‌گوید :آنها نمی‌دانند چگونه درست عمل کنند .آنها در دژ خود، خشونت و غارت را انبار می‌کنند خداوند نمایندگانی از همه این ملت‌های دیگر را دعوت می‌کند تا به سامره بیایند، بنشینند و ببینند در شهر چه می‌گذرد.

و او به اینها می‌گوید، آیا تا به حال کسی را به شرارت مردم سامره و اسرائیل دیده‌اید؟ بنابراین بنی‌اسرائیل و مردم یهودا فکر می‌کردند که ما از همه اینها معاف هستیم زیرا ما قوم برگزیده خدا هستیم .پیامبران آنها را در یک سطح قرار می‌دهند و می‌گویند، هی، شما تحت همان حکم داوری هستید که همه این افراد دیگر هستند. و این همان چیزی است که خدا در اینجا به صدقیا نیز می‌گوید.

.حالا، این پیام برای سومین بار تکرار می‌شود، فصل ۲۷، آیه ۱۶، دوباره، سه بار پیامبر این را خواهد گفت این خیلی مهم است .اما گوش کنید که این بار پیام خطاب به چه کسی است.

سپس با کاهن و همه مردم صحبت کردم .حال، پیام فقط خطاب به پادشاه نیست؛ بلکه خطاب به مردم است، خطاب به رهبران مذهبی است که تحت تأثیر این موضوع قرار خواهند گرفت .و در آیه ۱۷ آمده است که گوش ندهید.

متاسفم، آیه ۱۶ .به سخنان انبیای خود که برای شما نبوت می‌کنند گوش ندهید .اینک، ظروف خانه خداوند به زودی از بابل بازگردانده خواهند شد.

بنگر، به آنها گوش مده .آنها برای تو به دروغ نبوت می‌کنند .باشه؟ پس، سه بار در فصل ۲۷، ارمیا این جمله را می‌گوید، تسلیم بابلیان شوید.

بیهوده است .مقاومت در برابر آنها یا تلاش برای مبارزه برای خروج از این وضعیت بی‌فایده است .اما سه بار، چه کسانی مسئول این باور غلط هستند؟ پیامبران.

.این انبیا هستند که شِکِر را نبوت می‌کنند، که به مردم وعده می‌دهند و خداوند آنها را نفرستاده است بنابراین، دوباره به این مسئله‌ی کشمکش نبوی برمی‌گردیم .و می‌توانید تصور کنید که موضوع اصلی گفتگوهای رادیویی در اورشلیم در روزهای آخر این است که در مورد بحران بابل چه کنیم؟ و می‌توانیم تصور کنیم که ارمیا برای مصاحبه دعوت شده باشد و کسی در طرف دیگر، می‌توانید مواضع آنها را به وضوح ببینید، اما این کشمکشی است که در فصل‌های ۲۷ تا ۲۹ در جریان است.

به مثال دوم در فصل ۲۸ می‌رسیم .و فکر می‌کنم همانطور که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم، یکی از جالب‌ترین نمونه‌های درگیری ارمیا با یک پیامبر دروغین است .اما آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد این است که ما نه تنها دو پیام متفاوت می‌بینیم، بلکه به یک معنا، فکر می‌کنم درگیر کشمکشی می‌شویم که مردم در تلاش برای تعیین اینکه کدام یک از این افراد حقیقت را به ما می‌گوید، داشتند.

ارمیا وجود دارد که پیشگویی شده مقاومت بیهوده است .او کسی است که یوغ را به دوش می‌کشد .از سوی دیگر، حنانیا وجود دارد که به نام خداوند سخن می‌گوید، کسی که در متن به عنوان پیامبر از او یاد شده است اما پیامی کاملاً متضاد می‌دهد.

و اگر شما هم جزو این دسته از مردم هستید، می‌خواهید به پیام حنانیا گوش دهید، چون خیلی مثبت‌تر است .در مدت کوتاهی، همه اینها تمام خواهد شد .ارمیا می‌گوید که تبعید ۷۰ سال طول خواهد کشید.

اگر به مقاومت ادامه دهید، نابود خواهید شد .منظورم این است که آنها از قبل تمایل دارند به حرف‌های حنانیا گوش دهند .و بنابراین، ما بر سر تشخیص یک پیامبر واقعی از یک پیامبر دروغین با مشکل مواجه هستیم.

در ترجمه یونانی ارمیا در این فصل، به نکته جالبی اشاره می‌کنیم .از حنانیا به عنوان یک پیامبر دروغین، یک پیامبر دروغین یاد شده است .اما در متن ماسورتیک اینجا به زبان عبری، هم ارمیا و هم حنانیا با یک اصطلاح مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

اضافه شده است تا MT هر دوی آنها پیامبر نامیده می‌شوند .در واقع، اصطلاح پیامبر چندین بار در ترجمه بر این ایده تأکید شود .ما اینجا دو نفر داریم که هر دو ادعای پیامبری دارند.

و من فکر می‌کنم حتی جالب است که ما حتی آیات خاصی داریم که در آنها به هر دوی آنها به عنوان یک پیامبر اشاره می‌شود .برای مثال، در آیه پنجم، سپس ارمیا نبی با حنانیا نبی صحبت می‌کند .این موضوع گیج‌کننده می‌شود.

در آیه ۱۵، ارمیا نبی به حنانیا نبی گفت .و بنابراین شما این کلمه نبی را همه جا دارید، و به هر دوی این افراد اشاره دارد .بسیار خوب، بیایید پیام حنانیا را به خاطر بسپاریم.

ارمیا اعلام می‌کند که باید تسلیم بابل شد .او یوغ چوبی را بر دوش دارد .شما نمی‌توانید مقاومت کنید.

خداوند حاکمیت بابلیان را بر ملت‌ها مقرر کرده است .حنانیا، با جسارتی بسیار تهاجمی، پیام ارمیا را قطع می‌کند و یوغ را از گردن ارمیا برمی‌دارد.

او آن را به زمین می‌کوبد .و می‌گوید، گوش کنید، ارمیا کاملاً اشتباه کرده است .به جای اینکه این یک مشکل بلندمدت باشد، ظرف دو سال، ما رهایی خواهیم یافت و همه چیز در مورد این بحران بابل تمام خواهد شد.

و از آنجایی که حنانیا سعی دارد مردم را به پیام خود متقاعد کند، از برخی جهات اجرای متقاعدکننده‌تری نسبت به ارمیا ارائه می‌دهد .و این، من فکر می‌کنم یک نوع روایت در اینجا در جریان است که من به آن به عنوان انعکاس نبوی اشاره کرده‌ام .ارمیا یک پیامبر نامیده می‌شود.

حنانیا نبی نامیده می‌شود .ارمیا می‌گوید، خداوند چنین می‌گوید .حنانیا می‌گوید، خداوند چنین می‌گوید.

منظورم این است که حنانیا جلو نمی‌آید و نمی‌گوید، بچه‌ها، من یک پیامبر دروغین هستم .من به نام بعل با شما صحبت می‌کنم .او می‌گوید، خداوند چنین می‌گوید.

حتی ممکن است این احتمال وجود داشته باشد که حنانیا در برهه‌هایی از زندگی خود، پیامبر واقعی خدا بوده و خدا پیام‌های معتبری را از طریق او ابلاغ کرده است .ارمیا یک عمل نمادین انجام می‌دهد .او یوغ چوبی بر گردن دارد.

حننیا یک عمل نمادین انجام می‌دهد .او یوغ را می‌شکند و در رابطه با آن پیامی می‌دهد .بنابراین، کار دشواری است.

چیزی که کمی به تنش همه اینها می‌افزاید این است که حنانیا ممکن است به عنوان یک پیامبر اعتبار و اعتبار داشته باشد، اما حنانیا همچنین یک سنت الهیاتی گذشته را برای پایه گذاری پیام خود دارد .ما وقتی در مورد خطبه معبد ارمیا در مزامیر صهیون، مزمور ۴۶ صحبت کردیم، به آن نگاه کردیم .خداوند در زمان سختی، یاری بسیار حاضر است و ما می‌دانیم که صهیون تکان نخواهد خورد، متزلزل نخواهد شد و حتی اگر طوفانی رخ دهد که تمام جهان را در هم بشکند، اورشلیم پناهگاه طوفان است.

و حضور خدا، حتی در حالی که این آب‌ها خروشان و کف‌آلود و خروشان هستند، حضور خدا مانند رودخانه‌ای آرام است که از میان شهر می‌گذرد .مانند چشمه جیحون است که برکت خدا را برای مردم به ارمغان می‌آورد .ما سقوط نخواهیم کرد زیرا خدا با ماست.

صهیون حتی اگر مورد حمله ارتش دشمن قرار گیرد، امن است، و حتی اگر این ملت‌ها خشم و خروش و کف کنند، خدا ما را نجات خواهد داد .خدا محافظت خواهد کرد .خدا خود را موظف کرده است که از شهر اورشلیم مراقبت کند.

حننیا همچنین موعظه اشعیا را داشت که از بسیاری جهات به سنت‌های صهیون متوسل می‌شد .به آنچه در اشعیا ۱۷، آیه ۱۲ آمده است گوش دهید .و همان تصویری که در مزمور ۴۶ آمده است، در این متن نیز وجود دارد.

اشعیا می‌گوید آنها مانند غرش دریا غرش می‌کنند .غوغای ملت‌ها، درست مانند مزمور ۴۶ .آنها مانند غرش آب‌های خروشان می‌غرند.

قوم‌ها مانند غرش آب‌های بسیار غرش می‌کنند، اما او آنها را توبیخ خواهد کرد و آنها به دوردست‌ها خواهند گریخت .مانند کاه در کوه‌ها در برابر باد و غبار در برابر طوفان رانده می‌شوند .در شامگاه، وحشت را خواهیم دید، اما قبل از صبح دیگر اثری از آنها نخواهد بود.

بنابراین، ممکن است اوضاع در شب بد باشد، اما قبل از اینکه صبح از راه برسد، این ملت‌هایی که علیه اورشلیم می‌شورند و غرش می‌کنند، خدا ما را نجات خواهد داد .و بنابراین، این سنت الهیاتی گذشته وجود دارد که حنانیا می‌توانست به راحتی در اینجا به آن استناد کند .او همچنین می‌توانست به داستان چگونگی نجات شهر اورشلیم از دست آشوریان توسط خدا در سال ۷۰۱ میلادی استناد کند.

و خداوند این کار را به شیوه‌ای واقعاً چشمگیر انجام داده بود .ما بارها در مورد این موضوع صحبت کرده‌ایم .ارتش آشور، با ۱۸۰ هزار نیرو، شهر را محاصره کرده‌اند.

حزقیا به خدا توکل می‌کند .فرشته خداوند نیمه شب بیرون می‌رود .و بنابراین، همه این چیزهایی است که حننیا می‌توانست بگوید، گوش کن، انبیای دیگری هم هستند که همین چیزهایی را که من به تو می‌گویم به تو گفته‌اند.

چرا باید به این یارو ارمیا گوش کنید که از این همه بدبختی و غم می‌گوید؟ خب، یه چیز دیگه که خیلی خاص‌تره در مورد پیام حننیا .در آیه ۲۸:۳، در متن عبری، وقتی میگه، ظرف دو سال، به این مکان برمی‌گردونم .چیزی که متن در واقع میگه اینه که این اتفاق ظرف دو روز، ظرف دو سال افتاد.

اکنون می‌دانیم که کلمه یوم همیشه لزوماً به معنای یک روز ۲۴ ساعته نیست .و بحث بزرگی در مورد آن در روزهای خلقت در پیدایش ۱ وجود دارد که خوشبختانه لازم نیست در اینجا به آن بپردازم .یوم می‌تواند یک اصطلاح کلی برای یک دوره زمانی، روز خداوند، باشد.

اما جالب است بدانید که او صرفاً نمی‌گوید ظرف دو سال .او در واقع می‌گوید ظرف دو روز، من این مکان را باز خواهم گرداند .فکر نمی‌کنم منظور او اینجا ۴۸ ساعت باشد، اما این یک اصطلاح است برای گفتن اینکه، ببینید، در مدت زمان بسیار کوتاهی، خداوند قوم خود را احیا خواهد کرد.

حننیا، پس از اینکه یوغ را شکست، به آنها می‌گوید، خداوند چنین می‌گوید، با این حال، یوغ ،۲۸:۱۱ نبوکدنصر، پادشاه بابل، را ظرف دو روز از گردن ملت‌ها خواهم شکست .بسیار خب .بنابراین، پیشگویی دو سال یک چیز است، اما استفاده از این اصطلاح دو روز، ای مرد، رهایی خیلی زود فرا می‌رسد.

- دوباره، من با توجه به سنت الهیاتی گذشته انبیا، به این موضوع فکر کردم .حننیا یک متن نمونه داشت متنی که می‌توانست به آن مراجعه کند.

هوشع، که پیشوای نبوی ارمیا است، در فصل ششم، آیات یک و دو، در آن متن، درباره بازگشت و احیای قوم اسرائیل پس از داوری صحبت خواهد کرد .و آنچه او در آنجا خواهد گفت این است که بیایید و به سوی خداوند بازگردیم، زیرا او ما را دریده است تا ما را شفا دهد .پس از دو روز، او ما را زنده خواهد کرد.

در روز سوم، او ما را زنده خواهد کرد تا بتوانیم در حضور او زندگی کنیم .بنابراین، بله، ممکن است مجبور شویم داوری را پشت سر بگذاریم، اما در مدت کوتاهی، ظرف دو یا سه روز، خدا ما را زنده خواهد کرد و زنده خواهد کرد .حننیا هم همین را می‌گوید.

بنابراین، اگر من یکی از آن افراد در اورشلیم آن روز باشم، جایی که یک پیامبر یوغ را به گردن دارد و پیامبر دیگری یوغ را از گردن خود باز می‌کند، در این مرحله کمی گیج شده‌ام .تشخیص تفاوت دشوار است .حال، یک چیز دیگر هم وجود دارد که به تنش می‌افزاید.

واکنش ارمیا به حنانیا هم کمی غیرمعمول است .چون وقتی حنانیا جرأت می‌کند یوغ خود را بشکند و آن را بشکند، می‌توانم تصور کنم که واکنش عادی یک پیامبر این بوده که فوراً با عصبانیت به صورت این مرد حمله کند و انگشتش را به سمت او نشانه بگیرد .اما به حرف‌های ارمیا گوش کنید.

فصل ۲۸، آیه ۵ .آنگاه ارمیا نبی در حضور کاهن و تمامی قوم به حننیا نبی گفت :آمین .باشد که چنین شود. باشد که کلام جانب نبی به حقیقت پیوندد.

و باشد که او ظروف خانه خداوند و همه تبعیدیان را از بابل به این مکان بازگرداند .ارمیا، وقتی این پیام را می‌شنود، وقتی این پیامبر یوغ را از گردنش کشیده و شکسته و موعظه ارمیا را قطع کرده است، ارمیا می‌گوید، آمین .می‌دانید، من هم دوست دارم این را ببینم.

پیام شما از پیامی که من موعظه می‌کردم بهتر به نظر می‌رسد .بنابراین، مگر اینکه ارمیا اینجا با کنایه صحبت کند، ممکن است ارمیا واقعاً خواسته‌اش را ابراز کند که، وای، حنانیا، شاید خدا تو را فرستاده تا حرف مرا قطع کنی .اما در ادامه پاسخ کامل‌تر ارمیا را می‌بینیم.

و ارمیا قرار است برای مردم توضیح دهد، بله، عالی می‌شد اگر خدا این کار را می‌کرد .و همیشه این احتمال وجود داشت که خدا در ساعت یازدهم وارد عمل شود .اما دلیلی وجود دارد که پیام حنانیا برای این زمان خاص، پیام اشتباهی است.

شاید این پیام در زمان اشعیا پیام درستی بوده باشد، اما در این شرایط خاص پیام درستی نیست .ارمیا قرار است دلیل آن را توضیح دهد .و او قرار است به این افرادی که مجبور بودند با این موضوع که کدام پیامبر کیست، دست و پنجه نرم کنند، کمک کند.

چه کسی اینجا پیراهن مشکی پوشیده؟ چه کسی اینجا پیراهن سفید پوشیده؟ چه کسی آدم خوب است؟ چه کسی آدم بد است؟ چه کسی پیامبری است که حقیقت را به ما می‌گوید؟ چه کسی حقیقت را نمی‌گوید؟ در اینجا چیزی است که به آنها کمک می‌کند تا از این مخمصه خلاص شوند .ارمیا در فصل ۲۸، آیه ۸ می‌گوید، پیامبرانی که از دوران باستان پیش از من و شما بودند، جنگ و قحطی و طاعون را علیه بسیاری از کشورها و پادشاهی‌های بزرگ پیشگویی کردند .ارمیا می‌گوید، بسیار خوب، شما سنت نبوی خود را دارید، اما من هم سنت نبوی خود را دارم.

من می‌توانم پیش هوشع و حتی اشعیا، پیامبر تو، بروم؛ می‌توانم پیش عاموس بروم؛ می‌توانم پیش میکاه بروم. سنتی وجود دارد که پیامبران جنگ، قحطی و داوری را اعلام کرده‌اند .واکنش وقتی پیامبری این را اعلام می‌کند، جدی گرفتن آن هشدار است.

عاموس می‌گوید، خدا همیشه، وقتی شروع به حرکت می‌کند، از طریق پیامبرانش صحبت خواهد کرد .و بنابراین، در نتیجه آن، شیپور به صدا در نمی‌آید مگر اینکه اضطراری برای رسیدگی وجود داشته باشد. بنابراین، ارمیا می‌گوید یک سنت نبوی وجود دارد که پیامبران دائماً مردم را از داوری و قحطی و جنگ هشدار می‌دهند.

و کار درست در آن زمان این است که ارزیابی کنیم آیا به خدا بی‌وفا هستیم یا نه .آیا ما به فرامین عهد پایبندیم؟ و اگر یهودا در این زمان صادقانه این کار را انجام می‌داد، و به جای اینکه کورکورانه به این وعده‌های صلح اعتماد کند، اگر جایگاه خود را در رابطه با خدا ارزیابی می‌کرد، بت‌ها را می‌دید، بت‌پرستی را می‌دید، عدم رعایت فرامین خدا را می‌دید .اما این ایدئولوژی دروغین صلح، ذهن آنها را نسبت به حقیقت کور کرده است .ارمیا می‌گوید، ببینید، وقتی یک پیامبر از داوری سخن می‌گوید، آن را جدی بگیرید.

بسیار خوب .حالا، حنانیا، در مورد تو، آیه نهم، و در مورد پیامبری که صلح را پیشگویی می‌کند، وقتی کلام آن پیامبر به وقوع بپیوندد، آنگاه مشخص خواهد شد که خداوند واقعاً آن پیامبر را فرستاده است .بنابراین، وقتی پیامبری داوری را پیشگویی می‌کند، ما آن را جدی می‌گیریم و ارزیابی می‌کنیم.

اگر پیامبری وعده صلح بدهد، ما فقط زمانی به آن پیام ایمان می‌آوریم که تأیید آن از راه برسد .و ارمیا در فصل ۲۷ به نوعی این چالش را برای پیامبران دروغین مطرح می‌کند .بسیار خب.

شما دارید اعلام می‌کنید که داوری تا مدتی دیگر تمام خواهد شد .خب، هر اتفاقی که در رویدادهای معاصر می‌افتد، خلاف این را ثابت می‌کند .موجی از تبعیدها پشت سر هم اتفاق افتاده، ۶۰۵ نفر، گروه اول، ۵۹۷ نفر، گروه دوم هم از بین رفتند.

ما اینجا در سال ۵۹۳ هستیم و آنها هنوز در حال ارزیابی هستند .آیا واقعاً خدا ما را به دست بعل داوری می‌کند؟ ارمیا می‌گوید، ببینید، وقتی یک پیامبر داوری به شما هشدار می‌دهد، وقت بگذارید و ارزیابی کنید. اگر نمی‌توانید از نظر الهیاتی به آن فکر کنید، فقط به آنچه اتفاق می‌افتد نگاه کنید .اگر پیامبری وجود داشته باشد که در میان این ماجرا قدم بگذارد و صلح را پیشگویی کند، ما فقط زمانی آن را باور خواهیم کرد که واقعاً اتفاق بیفتد.

و او در آیه ۱۸ به انبیای دروغین می‌گوید، اگر این افراد واقعاً نبی هستند و کلام خداوند در درونشان است، پس بگذارید نزد خداوند لشکرها شفاعت کنند تا ظروفی که در خانه خداوند، در خانه پادشاه یهودا و در اورشلیم باقی مانده است به بابل نرود .بسیار خوب .او می‌گوید، ببینید، اگر آنها انبیای حقیقی هستند و فکر می‌کنند این بحران تمام خواهد شد، بیایید آنها را کمی آزمایش کنیم.

بگذارید آنها از خدا بخواهند که کاری ساده انجام دهد .فقط ظروفی را که نبوکدنصر در سال ۵۹۷ میلادی با خود برد، برگرداند .آنها حتی نمی‌توانند این کار را انجام دهند.

و بدون نوعی تأیید، با توجه به شرایط فاجعه‌باری که آنها از سر می‌گذرانند و با توجه به بی‌وفایی مکرر خداوند به عهد، هیچ دلیلی برای گوش دادن به یک پیامبر صلح در این برهه وجود ندارد .و من فکر می‌کنم اگر ارمیا کمی بیشتر وارد این بحث می‌شد، می‌توانست بگوید، ببینید، اگر می‌خواهید در مورد اشعیا صحبت کنید، بیایید در مورد اشعیا صحبت کنیم .حنانیا می‌گوید، می‌توانم به اشعیا برگردم.

اشعیا رهایی اورشلیم را پیشگویی کرد و این اتفاق افتاد .حق با شماست .یک پیامبر صلح باید خودش را تأیید کند.

بله، اما ما هنوز اشعیا را داریم .ارمیا می‌توانست به آن کتاب برگردد و بگوید که اشعیا نبی تنها زمانی وعده رهایی داد که حزقیا به کلام خدا به شیوه‌ای درست پاسخ داد .و بدون آن نوع پاسخ، هیچ دلیلی، هیچ مبنایی برای پیام صلح شما وجود ندارد.

و بنابراین، مردم قطعاً اینجا در یک دوراهی گیر افتاده‌اند .می‌دانید، ما به چه کسی ایمان بیاوریم؟ ارمیا می‌گوید، با توجه به شرایط، با توجه به بی‌وفایی شما به عهد، من فقط در سنت دیرینه پیامبرانی هستم که نسبت به فاجعه و مصیبت هشدار داده‌اند .و در گذشته، مردم با جدی گرفتن آن به این موضوع واکنش نشان داده‌اند.

اگر واقعاً می‌خواهید پیام این مرد را باور کنید، که ظرف دو سال، همه اینها تمام خواهد شد .بیایید شواهدی را برای نشان دادن این موضوع ببینیم .پس، ارمیا، در نهایت، می‌دانی، آمین، بگذار این اتفاق بیفتد.

اما او داوری خدا را اعلام می‌کند .و حکمی که قرار است بر حنانیا نازل شود، نکته‌ی بسیار مهمی در اینجا وجود دارد .به دلیل مخالفت او با پیام، ارمیا این را می‌گوید.

برای ملتی که یوغ چوبی را که شکستید، خدا یوغ آهنین را جایگزین آن خواهد کرد .ببین، تو به این انبیای دروغین گوش می‌دهی، و این چیزی است که خدا علیه تو خواهد آورد .برای شخص حنانیا، ارمیا این را می‌گوید.

گوش کن، حننیا، خداوند تو را نفرستاده است .تو می‌توانی هر نبوتی را که می‌خواهی انجام دهی، اما خداوند تو را نفرستاده است .و تو این قوم را وادار کرده‌ای که به دروغ اعتماد کنند.

بنابراین، خداوند چنین می‌گوید» :اینک من تو را از روی زمین محو خواهم کرد .امسال خواهی مرد، زیرا علیه خداوند شورش کرده‌ای «.و در آخرین آیه در آیه ۱۷ به ما می‌گوید که در همان سال، در ماه هفتم، حَنَنیای نبی درگذشت.

،خب، طنز ماجرا اینجاست .این مجازاتی است که با جرم متناسب است .حنانیا گفته بود که ظرف دو سال بحران تمام خواهد شد.

واقعیت این بود که ظرف دو ماه، حنانیا مرده بود .پیامبران صلح وعده حیات می‌دادند .واقعیت این است که اگر آنها از آنها پیروی کنند، همان مرگی را تجربه خواهند کرد که خود پیامبران تجربه کردند.

به سومین نمونه از اختلافات نبوی در ارمیا فصل ۲۹ می‌پردازیم .و باز هم، مسئله بر سر تسلیم شدن در برابر بابل خواهد بود .حال، زمینه مخالفت در اینجا تغییر می‌کند، زیرا اکنون پیامبرانی که با ارمیا مخالفت می‌کنند در بابل هستند.

بنابراین، خدا پیامبر حقیقی خود را در بابل داشت .خدا حزقیال را آنجا داشت .خدا دانیال را آنجا داشت.

اما خدا نیز چنین کرده بود، یا مردم نیز پیامبران دروغین خود را داشتند .و آنها همان پیام صلح را موعظه می‌کردند .این وضعیت زیاد دوام نخواهد آورد.

این ماجرا به زودی تمام خواهد شد .این پیام ارمیا به تبعیدیان در بابل است .و او نامه‌ای برای آنها می‌فرستد، همانطور که در اوایل فصل ۲۹ آمده است.

و این چیزی است که او به آنها می‌گوید :خداوند لشکرها، خدای اسرائیل، به همه تبعیدیانی که من به بابل تبعیدشان کرده‌ام چنین می‌گوید :خانه‌ها بسازید و در آنها ساکن شوید.

باغ‌ها بکارید و از میوه‌های آنها بخورید .زنان بگیرید و صاحب پسران و دختران شوید .برای پسرانتان زنان بگیرید.

دخترانتان را به شوهر دهید تا پسران و دخترانی به دنیا آورند .در آنجا زیاد شوید و کم نشوید .بلکه خیر و صلاح شهری را که شما را به آنجا تبعید کرده‌ام، بجویید و برای آن به درگاه خداوند متعال دعا کنید.

زیرا در رفاه آن، رفاه خود را خواهید یافت، یا در سلامتی خود، که از طریق سلامتی بابل خواهد آمد .زیرا خداوند لشکرها، خدای اسرائیل، چنین می‌گوید :نگذارید انبیا و فالگیران شما که در میان شما هستند، شما را فریب دهند و به وعده‌های دروغین و پوچ آنها گوش ندهید .بنابراین، پیام ارمیا این است.

این همان چیزی است که او به مردمی که هنوز در آن سرزمین بودند می‌گفت .تسلیم بابل شوید .و برای تبعیدیان، این به معنای پذیرفتن این بود که قرار است مدتی اینجا باشید.

،سر و سامان بگیر .کارهایی را که در زندگی عادی انجام می‌دهی، انجام بده .خانه‌هایت را بساز، تاکستان بکار .محصولاتت را پرورش بده و بچه‌دار شو

و بابل، به نوعی برای این مردم، جای سرزمین موعود را گرفته است .این سرزمین، سرزمین موعود آنها شده است .خدا در تثنیه ۶ به اسرائیل گفته بود» :من شهرها، خانه‌ها و تاکستان‌هایی را که خودتان نکاشته‌اید، به «.شما خواهم داد

شما قرار است از همه این چیزها در سرزمین موعود لذت ببرید .خب، حالا، موقتاً، بابل به سرزمین موعود آنها تبدیل شده است .اینجا جایی خواهد بود که آنها چیزهایی را که با برکات عهد در توافق اولیه خدا با .اسرائیل مرتبط بودند، تجربه خواهند کرد

.بچه دار شوید .آنجا بچه دار شوید .برای صلح بابل دعا کنید

یادتان هست در مزامیر به ما گفته شده بود که برای صلح اورشلیم دعا کنیم؟ بابل جای اورشلیم را گرفته .است، و همانطور که می‌توانید تصور کنید، این یک الهیات کاملاً براندازانه است

اورشلیم دیگر شهر شالوم نیست .بابل است .و اگر شما آنجا ساکن شوید، و اگر تسلیم بابل شوید و از این .ایده که قرار است مدت کوتاهی آنجا باشید دست بردارید، خداوند در نهایت شما را احیا خواهد کرد

باشه؟ این امید واقعی یهودا در مقابل امیدهای واهی است که انبیا به آنها می‌دهند .و در آیه ۱۱، یا در آیه وقتی ۷۰ سال بابل تمام شود، من از شما دیدن خواهم کرد، و به وعده‌ام عمل خواهم کرد و شما را به ۱۰، .این مکان باز خواهم گرداند .بسیار خوب، ساکن شوید

تبعید مدتی طول خواهد کشید .و این وعده‌ای است که بسیاری از مردم ...این آیه‌ای است که بسیاری از مردم در ارمیا می‌دانند ...شاید تنها آیه‌ای باشد که بسیاری از مردم در ارمیا می‌دانند .زیرا من از نقشه‌هایی که .برای شما دارم، از جانب خداوند آگاهم، نقشه‌هایی برای رفاه و نه برای شر، تا به شما آینده و امیدی بدهم

باشه؟ مراقب باش که وعده‌های دیگران را به نام خودت جا نزنی .اینجا یک وعده کلی وجود دارد که خدا رفاه و آسایش قومش را در نظر دارد .اما توجه داشته باش که این یک وعده کلی نیست که افرادی که خدا .را می‌شناسند و دوست دارند، هرگز دچار مشکل نخواهند شد

اینکه خداوند همیشه شما را از آسیب نجات خواهد داد؛ این وعده به افرادی داده شده است که پیش از این در داوری به اسارت گرفته شده‌اند .این وعده به افرادی داده شده است که در حال حاضر در تبعید .زندگی می‌کنند

این وعده به افرادی داده شده است که از بسیاری جهات، خودشان این برکات را تجربه نخواهند کرد .این نعمتی است که به فرزندانشان پس از آنها داده می‌شود .یکی از نویسندگان مسیحی معاصر در مورد ارمیا ۲۹ گفته است که این متن به ما وعده‌ای شگفت‌انگیز می‌دهد :به محض اینکه زندگی خود را مطابق با هدف خدا .آغاز کنیم، تغییرات شگفت‌انگیزی در زندگی ما آغاز می‌شود

خیلی خب؟ من فکر می‌کنم رومیان ۸:۲۸ می‌گوید خدا همه چیز را برای خیریت با هم به کار می‌گیرد .اما این وعده‌ای نیست که هر کاری که شما به عنوان یک مؤمن انجام می‌دهید، موفق خواهد بود .این یک تضمین .کلی نیست

مردم همین کار را با فیلیپیان ۴، آیه ۱۳ انجام می‌دهند .من به واسطه مسیح که مرا تقویت می‌کند، می‌توانم .هر کاری را انجام دهم .این آیه مورد علاقه این ورزشکار است

همه آن را روی کلاه یا کفش یا دستکش خود دارند .من می‌توانم همه کارها را انجام دهم .می‌توانم در نهمین .اینینگ هوم ران بزنم

اما مراقب باشید که این وعده‌ها را در یک زمینه خاص در نظر نگیرید .در اینجا، این وعده‌ای است که به .این تبعیدیان داده شده است مبنی بر اینکه خداوند در نهایت آنها را از داوری و خطر بیرون خواهد آورد .خب، پیامی که ارمیا داد، به دلیل الهیات مخرب آن، با مخالفت گروهی از پیامبران روبرو شد

و حال، منظور از انبیا، حَنَنْیا و انبیایی که در یهودا هستند، نیستند .بلکه انبیایی هستند که در بابل و در .میان تبعیدیان هستند .در این بخش به چند نفر از آنها اشاره شده است

دو مورد از آنها در آیه ۲۱ آمده است .خداوند، خدای لشکرها، خدای اسرائیل، درباره اخاب، یکی از این .پیامبران، و دیگری به نام صدقیا چنین می‌گوید :این پادشاه نیست

.این پیامبری به همین نام است .آنها به نام من برای شما به دروغ نبوت می‌کنند .آنها وعده می‌دادند

ببین، تبعید تا مدتی دیگر تمام می‌شود .ارمیا می‌گوید، ۷۰ سال، اینجا ساکن شوید .این پیامبران از این پیام .متنفرند زیرا وعده‌های پوچ صلح می‌دهند

ارمیا می‌گوید» :اینک من آنها را به دست نبوکدنصر، پادشاه بابل، تسلیم خواهم کرد و او آنها را در برابر چشمان شما خواهد کشت .به خاطر آنها، این نفرین توسط همه تبعیدیان از یهودا و بابل استفاده خواهد .«.شد .خداوند شما را مانند صدقیا و اخاب قرار می‌دهد که پادشاه بابل آنها را در آتش سوزاند

.و به نوعی، نبوکدنصر در نهایت وعده‌های صلح آنها را به عنوان براندازی تلقی کرد .و آنها را به قتل رساند .او آنها را در آتش سوزاند

می‌خواهم به این نکته توجه کنیم .چه اتفاق برای حنانیا می‌افتد؟ او ظرف دو ماه می‌میرد .چه اتفاق برای اخاب و صدقیا می‌افتد؟ آنها قول می‌دهند که خداوند تو را موفق خواهد کرد و همه چیز خوب پیش خواهد .رفت

.آنها به خاطر پیامشان می‌میرند .خیلی جالب است .پیامبران صلح در نهایت با مرگ مرتبط هستند

زندگی واقعی از پیروی از پیامبرانی حاصل می‌شود که حقیقتاً کلام خداوند را بیان می‌کنند .این پیام آسانی نیست .پیامی نیست که ایده داوری را رد کند، اما وعده‌های پوچ صلح هرگز به آنچه وعده داده‌اند، عمل .نخواهند کرد

،شما می‌توانید این را در زندگی خود پیامبران ببینید .در نهایت، آخرین پیامبری که در اینجا ذکر شده است .شمایا .و شمایا، مانند حنانیا، قرار است در عمل انعکاس نبوت شرکت کند

ارمیا، خداوند چنین می‌گوید، و او نامه‌ای می‌نویسد تا این را بیان کند، و شمعیا نامه‌ای در جهت مخالف، به رهبران مذهبی در اورشلیم خواهد نوشت و خواهد گفت، هی، این مرد، ارمیا، به تبعیدیان می‌گوید که آنها نجات نخواهند یافت، که فقط باید ساکن شوند .آن مرد باید سرزنش شود .او باید به زندان انداخته شود.

و این کشمکشِ انعکاسِ نبوت‌ها دوباره ادامه پیدا می‌کند .حرف چه کسی قرار است پابرجا بماند؟ ارمیا می‌گوید، شمعیا، چون دروغ گفته، چون کلام خداوند را ابلاغ نکرده است .این مرد هرگز برکاتِ بازگشت را تجربه نخواهد کرد.

و بنابراین دائماً در سراسر این بخش، پیامبران صلح کسانی هستند که این امیدهای پوچ را ارائه می‌دهند .اما این پیام ارمیا است که حیات می‌بخشد .پیامی است که می‌گوید باید گناه خود را تشخیص دهید.

شما باید داوری‌ای را که خدا بر شما نازل می‌کند، تشخیص دهید .و خداوند در نهایت ما را هنگامی که به سوی او بازگردیم، احیا خواهد کرد .نبوت‌های نبوی، پیامبران صلح و فرستادگان خداوند، فرستادگان واقعی خدا، این بخش در مورد همین موضوع است.

و تصمیمی که مردم در مورد واکنش خود به این پیام می‌گیرند، تصمیمی که رهبران یهودا در مورد این پیام در فصل‌های ۳۷ تا ۳۹ خواهند گرفت، کاملاً مسئله مرگ و زندگی است، اینکه چگونه به کلام خدا واکنش نشان می‌دهیم .مهم‌ترین تصمیم در زندگی، که دائماً در سراسر کتاب ارمیا به ما یادآوری می‌شود، این است که چگونه به کلام خدا گوش فرا دهیم .این مسئله مرگ و زندگی است.

این دکتر گری یتس در حال تدریس در مورد کتاب ارمیا است .این جلسه ۲۲، ارمیا ۲۷-۲۹، نزاع نبوی است.